

دکتر عیسی ابراهیمزاده، دانشگاه سیستان و بلوچستان

I. Ebrahimzadeh, Ph.D

دکتر فرامرز بریمانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

F. Barimani, Ph.D

شماره مقاله: ۶۶۳

E.mail: ibrahimzadeh@yahoo.com

بررسی تطبیقی تعاون و جایگاه آن در نظام‌های اقتصادی - اجتماعی

چکیده

اصولاً تعاون در جوامع مختلف به مفهومی فراگیر و فراتر از زمان و مکان دربردارنده نوعی رابطه متقابل بین فرد با فرد، فرد با گروه، و گروه با گروه می‌باشد. در واقع تعاون متضمن نوعی برهم کنش گروهی است که تأمین کننده منافع و نیازهای اعضا می‌باشد، و نوع بشر فارغ از دیدگاه‌های سیاسی یا اقتصادی بدان نیازمند است. وجود مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان جوامع مختلف و در سطح بین‌المللی مصادیق روشن و زنده‌ای از این نیاز اجتماعی و تاریخی بشر امروز به شمار می‌آید. با این وجود نظام‌های سیاسی و اقتصادی گوناگون با نگرشی ویژه به مسأله تعاون و اشکال مختلف آن پرداخته‌اند. چنانکه در نظام سرمایه‌داری، اقتصاد تعاونی بر پایه لیبرالیسم اقتصادی تعریف شده و در آن آزادی عمل فرد بدون دخالت دولت را ترویج می‌نمایند. در حالی که در نظام سوسیالیستی با دیدگاه اجتماعی کردن تولید، اقتصاد تعاونی را نوعی اقتصاد دولتی و دستوری تلقی می‌نماید. در نظام اسلامی نیز اقتصاد تعاونی یکی از ارکان مهم اقتصادی تلقی می‌شود و از جنبه‌های مختلف بر آن تأکید شده است لیکن در عمل بخش تعاون جایگاه قابل توجهی در نظام اقتصادی کشورهای مسلمان نداشته است.

نتایج عمده حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که همواره تعاون و معاضدت نوع بشر در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی در اشکال سنتی و مدرن آن نقش آفرین بوده است. لیکن گرچه شکل سنتی آن در فرآیند تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوری در معرض تلاشی قرار گرفته است، اما اشکال نیمه‌مدرن و مدرن آن، با بهره‌گیری از

تجربیات گذشته به صورت تحول یافته و یا در شکل نوین کماکان نقش مهمی در اقتصاد اجتماعی ایفا می نماید. در عین حال این مهم در نظام های اقتصادی مبتنی بر عدم دخالت مستقیم دولت و قایل شدن آزادی نسبی بیشتری در فرآیند فعالیت ها به بخش تعاون، از موفقیت چشمگیرتری برخوردار بوده اند. اینک به نظر می رسد، چنانچه بخواهیم نقش و جایگاه تعاون در اقتصاد را تحکیم بخشیده و تثبیت نماییم، لازم است که بیش از پیش زمینه مشارکت جمعی گروه های مختلف اجتماعی در فرآیند تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت بر کارکردهای تعاونی را فراهم نماییم؛ و جایگاه دولت ها، تنها در حد نقش نظارتی و حمایتی از این بخش باقی بماند.

کلید واژه ها: تعاون، اقتصاد تعاونی، اقتصاد سیاسی.

مقدمه

تعاونی مانند بسیاری از دستاوردهای فکری بشر، یکباره و در خلأ پدید نیامده است؛ بلکه پدیده ای است که نخست از محیط طبیعی، اقتصادی و سیاسی متأثر شده است، که خاستگاه آن در تمدن های اولیه بشری قابل شناسایی است. چنانکه نتایج حاصل از مطالعات باستان شناسی، وجود نوعی از سازمان های تعاونی پیشه وران و کارگران صنایع دستی در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در مصر باستان را به اثبات رسانده است. هم چنین ثابت شده است که کشاورزان بابلی در زمان حمورابی (۲۰۵۰ قبل از میلاد) مزارع خود را به صورت تعاونی برای کشت آماده می کرده اند و در برداشت محصول نیز با یکدیگر همکاری داشته اند (بهرامی، ۲۵۳۵، ۳).

در گذر تاریخ در میان ملل مختلف نیز تا زمان حاضر، اشکال متفاوتی از کارکردهای تعاونی وجود داشته است. در حال حاضر هم، در نظام های سیاسی و اقتصادی اشکال متنوعی از فعالیت های تعاونی به چشم می خورد، که این هم نیز متأثر از تحولات روزگار ماست. تحولات جوامع بشری از انقلاب صنعتی به بعد اشکال جدیدی از دیدگاه های اجتماعی و اقتصادی را نیز به دنبال داشت که منجر به مکاتب اقتصادی جدیدی گردید. نظام اقتصادی سرمایه داری که بر پایه دیدگاه های لیبرالیستی شکل گرفته، جایگاه اقتصاد تعاونی نیز در آن عملاً بر پایه لیبرالیسم اقتصادی تعریف شده که عموماً مبتنی بر دخالت محدود دولت در فعالیت های تجاری افراد قرار گرفته است. در نظام اقتصاد سوسیالیستی که بر پایه فلسفه سوسیالیزم و جامعه نگر شکل گرفته است،

اصولاً فلسفه تعاون جایگاه ویژه‌ای دارد. زیرا سوسیالیسم تأمین رفاه گروه‌های اجتماعی و طبقات ضعیف و کارگر را به عنوان مهمترین اهداف خود تلقی می‌نماید، تعاونی‌ها نیز در صدد تأمین منافع اعضاء که عموماً از اقشار کم‌درآمد شکل می‌گیرند، می‌باشند. لیکن سوسیالیسم مالکیت فردی را نفی می‌کند در حالی که تعاون برای مالکیت بیشتر اعضاء و تعدیل مالکیت در اجتماع تلاش می‌نماید. در نظام اسلامی گرچه تعاون مورد تأیید و تأکید قرار گرفته و عملاً بخش تعاون در کنار بخش‌های خصوصی و دولتی به عنوان یکی از اشکال مهم فعالیت‌های اقتصادی شناخته شده است، لیکن اقتصاد تعاونی در عمل خیلی در اقتصاد کشورهای اسلامی نقش آفرین نبوده است.

هدف اصلی در این تحقیق، ارایه تحلیلی اطمینان بخش با تکیه بر روش تحلیلی- تطبیقی با تکیه به نقش و جایگاه تعاون در نظام‌های اقتصادی و سیاسی و تأثیری که اقتصاد سیاسی حاکم بر جوامع در چگونگی بالندگی یا رکود کارکردهای تعاونی داشته و دارد، می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بخش تعاون به لحاظ تاریخی، همواره یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در سازگاری فرهنگی انسان با محیط از یک سو و حل مشکلات متقابل جوامع انسانی از سوی دیگر بوده است.

۲. علیرغم پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فناوری بشر و مهم‌تر از آن، غلبه بخش‌های دولتی و خصوصی بر اقتصاد جوامع، کماکان بخش تعاون به عنوانی یک رویکرد انسانی در اقتصاد و جوامع مورد توجه می‌باشد.

۳. با توجه به دیدگاه نظام‌های حکومتی به اقتصاد سیاسی همواره در نظام‌های آزاد بخش تعاون در اقتصاد اولویت پیدا کرده و موفق‌تر بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، عمدتاً مبتنی بر روش تحلیلی- تطبیقی بوده است؛ تحلیلی از این جهت که این الگو امکان تحلیل کمی و کیفی پدیده‌ها و روابط بین آنها را برای محقق فراهم ساخته است؛ و تطبیقی به دلیل عنایت ویژه این روش به تشابهات و تفاوت‌هایی که در واحدهای بزرگ اجتماعی وجود دارد، مد نظر قرار گرفته است.

این مقاله به بررسی کمی و کیفی تحولات و کارکردهای تعاونی در نظام‌های اقتصادی فوق‌الذکر می‌پردازد و جایگاه بخش تعاون را در هر یک از این نظام‌ها مورد بررسی تحلیلی - تطبیقی قرار می‌دهد.

مفهوم تعاون و خاستگاه آن

درک واقعی مفهوم هر پدیده‌ای امری دشوار است زیرا به دلیل پویایی آن، مفاهیمی که برای آن متصور است و یا واژه‌ها و کلماتی که برای نامیدن آنها به کار برده می‌شود از نظر زمانی، مکانی و حتی شرایط و مقتضیات جوامع مختلف نیز متفاوت از یکدیگر می‌باشد (عسکری، ۱۳۶۹، ۳). در فرهنگ معین تعاون به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری کردن، همدستی، یاری، دستگیری آمده است (معین، ۱۳۷۵، آ - خ). تعاون به مفهوم کار کردن با هم برای یک مقصود و جمع شدن دور هم برای انجام دادن یک امر مشترک نیز آمده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۳، ۶). در معنای وسیع آن این همکاری و معاضدت، به عبارتی اشتراک مساعی برای رفع نیازمندی‌های همگانی تلقی می‌شود (تعلیمات تعاونی، ۱۳۴۶، ۴۳)؛ که می‌توان چنین کنشی اجتماعی را در خصلت اجتماعی بودن نوع بشر دانست. به عبارتی خاستگاه انسان‌شناختی آن ریشه در فطرت بشری دارد، اما به لحاظ تاریخی (زمانی) و جغرافیایی (مکانی) باید در مراکز اولیه تمدن‌ها این مهم را جستجو کرد. اگر هسته‌های اولیه سکونتگاه‌های انسانی را در حوزه فرهنگی بین‌النهرین، نیل، رم باستان، چین و غیره بدانیم به طور قطع حیات و قوام جوامع نوپای آن روزگار در سایه همکاری و اشتراک مساعی گروه‌های انسانی قابل توجیه است.

آثار به دست آمده از سازمان‌های تعاونی در چین قدیم (۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) تصور روشن‌تری نسبت به موارد یاد شده در فوق ارائه می‌نماید. به طوری که در این گونه سازمان‌ها اعضاء سهام مساوی، حق مساوی و سود مساوی داشته‌اند و حضور در جلسات عمومی اجباری بوده است. دریافت وام بر اساس تقدم ربح پیشنهادی اعضاء صورت می‌گرفت و در صورت تساوی پیشنهادات، وام گیرنده به حکم قرعه تعیین می‌شده است و بازپرداخت وام به صورت اقساطی بوده است (بهرامی، ۲۵۳۵، ۴).

بومیان آفریقا در «ایگوداری‌های» (قلعه‌ها) خود که نوعی شرکت حفظ و نگهداری سرحدات قلعه به حساب می‌آمد، مقرراتی را نظیر یک شرکت تعاونی دارا بود،

که توسط یک انجمن اداره می‌شد، و ورود و خروج به این شرکت کاملاً آزاد و عضویت در آن اختیاری بود؛ همه افراد در آن دارای موقعیت مساوی بوده که امروزه در زمره تساوی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید. گرچه موقعیت اقتصادی اعضا نابرابر بوده اما هر یک از افراد به ازاء امتیازات و منافع که از شرکت به دست می‌آوردند تعهداتی نیز داشتند. متقابلاً آنچه را که افراد در ازاء خدمات شرکت می‌پرداختند، به اندازه سهم آنها از خدمات و منافع شرکت بود. از طرفی چنین رسم بود که در موقع تعمیرات عمومی، تمام مخارج از قبیل خرید مصالح و دستمزد کارگران به تناسب سلول‌های ملکی، بین مالکین سرشکن می‌شده است و این شواهد نیز از قاعده دیگر در روابط اقتصادی سخن می‌گوید (تاریخ تعاون، ۱۳۴۹، ۵).

«پل هریسون» از مجمع تعاونی در دهکده‌های «بالی» (هند) سخن می‌گوید که قرن‌هاست با ذوق و شوق فراوان و وجدانه، امور دهکده را می‌چرخاند و قانون سنتی آنها را به اجرا درمی‌آورد؛ وی آنها را نمونه بارزی از یک نوع جامعه تعاونی، دموکراتیک و نسبتاً عادلانه‌ای به شمار می‌آورد که قبل از عصر امپراطوری‌ها در جهان سوم شکوفایی داشتند. به عنوان نمونه از نظر «پل هریسون» مجمع تعاونی «بنجار» (بانجار) کانون یک شبکه پیچیده از کمک‌های متقابل و همیاری اجتماعی است، که می‌تواند سمبل ریشه‌های اصیل بومی‌ای باشد که استراتژی‌های توسعه، اکنون پس از خدمات استعمار و اشتباهات ناشی از تقلید میمون‌وار از مدل‌های غربی، در حال بازگشت به آنها هستند (هریسون، ۱۳۶۶، ۲۵).

در ایران نیز در گذشته نمونه‌های بسیار زیبا از همکاری، همیاری و تولید جمعی نظیر: «بنه، حراثه، صحرا، پاگو، همبازی، یازو، جفت، گاوشته، طاق، قراع، دانک (۱)، درکار، تیرکار، دونگ (۲)، خیفن و غیره» وجود داشت. خوشبختانه اطلاعات نسبتاً گرانبهایی از آنها به ویژه از «بنه» (به عنوان نظام‌های زراعی سنتی در تولید گروهی) تهیه و تدوین شده است (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، ۲۱). برخی عوامل طبیعی از جمله کمبود باران را در تشکیل بنه‌ها مؤثر دانسته‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۵۳، ۲۲). «بنه» شناسان عوامل متعددی را در شکل‌گیری آنها مؤثر می‌دانند (فرهادی، ۱۳۶۸، ۱۳۳). نیازهای متقابل در مراحل مختلف داشت و کاشت زراعی از عوامل اصلی در شکل‌گیری و توسعه و تداوم این گونه همیاری‌ها به شمار می‌آمده است (Barimani, 2002, 21).

زمینه و عوامل شکل‌گیری تعاون در عصر جدید

دوران قرون وسطی با این فکر درآمیخته بود که فرد باید برای رستگاری عقبی تلاش کند و «فانی» را «فدای» باقی کند. زراندوزی ذاتاً با این هدف ناسازگار بود. در آن روزگار ثروتمند، مال و منال خویش را یکسره صرف آسایش خود نمی‌کرد و تنها به فکر تأمین منافع شخصی نبود بلکه آنچه داشت متعلق به جامعه بود و خویشتن را امانت‌دار آن می‌دانست. اما به تدریج با پیشرفت سرمایه‌داری این تلقی از ثروت از میان رفت. اعتقاد به وجود یک قدرت خدایی که ناظر به اعمال و رفتار باشد، جای خود را به این نظر داد که هر عملی هنگامی که سود مادی داشته باشد، مجاز و مشروع است (لاسکی، ۱۳۵۳، ۲۷). این نگرش جدید اگرچه از جهاتی مترقی محسوب می‌شد، زیرا که انسان‌ها را به تلاش بیشتر ترغیب می‌کرد و متأثر از خیزش موج اصلاح مذهبی و پروتستانیسم بود؛ لیکن از آن‌جا که این بینش جدید حس «آز» و زیاده‌جویی آدمیان را نیز برانگیخت، خود موجب بروز نابسامانی‌های تازه شد که از آن جمله است شکاف طبقاتی، بیکاری و غیره (ویر، ۱۳۶۲).

در آغاز انقلاب صنعتی و رنسانس، بر اثر به‌کارگیری ماشین بخار دستمزد به وضع رقت‌انگیزی پایین آمد (هانت، ۱۳۵۸، ۲۴). این موضوع سبب شد که از قرن شانزدهم به بعد شورش‌هایی در سراسر اروپا به وقوع پیوندند. به گفته «ای. ک. هانت» بیشتر این شورش‌ها سر در مشکلات اقتصادی داشت، یکی از ویژگی‌های مثبت لیبرالیسم، برعکس دوره استبداد همین بود که تحمل طرح مسایل را می‌داد. در هر حال برای جلوگیری از آشوب و کاهش نارضایتی چندین قانون وضع شد:

- (۱) - قانون صنعتگران در ۱۵۶۳: این قانون شرایط کار و مدت کارآموزی را معین کرده بود.
 - (۲) - قانون انحصارها در ۱۶۲۴: به موجب این قانون کلیه انحصارها غیرقانونی شمرده می‌شدند مگر پاره‌ای از انحصارات خاص.
 - (۳) - قانون بینوایان ۱۶۶۳: که می‌کوشید بیکاری، فقر و بدبختی را که در آن هنگام در انگلستان فراگیر شده بود، از میان بردارد (همان مأخذ، ۲۴).
- این قوانین در عین حال نشانه این بود که دولت خود را در قبال رفاه اجتماعی مسؤول می‌داند. قوانین مزبور بر اساس این انگاره وضع شده بود که «فقر نه یک گناه

فردی، بلکه تابعی از نظام اقتصادی است». به تدریج در فلسفه وجودی دولت تحولی پدیدار شد که این تحول در تاریخ اقتصادی سیاسی: «لیبرالیسم کلاسیک» نام گرفته است. لیبرالیسم دارای ابعاد سیاسی مذهبی و اقتصادی است. بعد سیاسی و اجتماعی این مکتب در این جا مورد بحث نیست. از حیث اقتصادی اساس این مکتب را «مال‌اندوزی» تشکیل می‌داد. طرفداران این طرز فکر بر این عقیده بودند که خودخواهی و سودجویی از جمله انگیزه‌های مهم فعالیت انسان به شمار می‌روند.

«توماس هابز» فیلسوف مشهور انگلیسی قرن هفدهم که یکی از پیروان لیبرالیسم اقتصادی است، معتقد است که: انسان حیوانی است که فقط به دو انگیزه هر کاری را انجام می‌دهد این دو انگیزه عبارتند از: ۱- ترس ۲- سود (جونز، ۱۳۵۸، ۱۱۱).

لیبرالیسم‌های کلاسیک به طور کلی بر این عقیده بودند که دولت نباید در امور اقتصادی دخالت کند. شعار معروف آنها «آزادی عمل و آزادی عبور» به همین معنی و در همین رابطه بود. دولت باید مردم را در امر اقتصاد آزاد بگذارد و نگرانی هم به خود راه ندهد زیرا بازار رقابت آزاد خود به خود در امور؛ هماهنگی ایجاد می‌کند. گذشته از این، حریم مقدس فرد نباید بر اثر مداخله دولت بی‌حرمت شود.

لیبرالیسم به صورت یک قانون کلی پذیرفته بود که وجود آزادی و مساوات معارض یکدیگرند، زیرا آزادی نیاز به این دارد که به فرد قدرت بیشتری داده شود اما برابری نیاز به دخالت دولت دارد که نتیجه‌اش محدود ساختن قدرت فرد است. لیبرالیسم پایه‌های حکومت قراردادی را پی افکند تا با خطرات ناشی از گسترش قوای سیاسی مبارزه کند. اما در قراردادها افراد وقتی آزادند که طرفین دارای شرایط و امکانات مساوی باشند. وقتی مساوات برقرار نباشد و مردم برای بحث از حقوق مساوی برخوردار نباشند، آزادی قراردادها تأمین نخواهد شد. در اوایل قرن نوزدهم که اوضاع اقتصادی و اجتماعی بحرانی شده بود، گرانی و فقر و بیکاری و استثمار بیداد می‌کرد و دیو گرسنگی هزاران نفر را به کام خویش در کشیده بود، دولت بیشتر به فکر حفظ وضع موجود و ثبات سیاسی بود و فرد را بی‌پناه و تنها گذاشته بود. در چنین حال و روزی در سال ۱۸۴۴ حدود ۲۸ نفر از کارگران مستمند، دردمند و بی‌پناه به دور از مسلک‌پردازی و جار و جنجال ایدئولوژیک، دور هم جمع شدند تا برای ادامه حیات و رفع نیازهای اولیه و تهیه قوت لایموت خویش چاره‌ای بیندیشند. در همین گردهمایی بود که اولین شرکت تعاونی

به نام «راچدیل» شکل گرفت. هر چند بعضی معتقدند اولین شرکت تعاونی در اسکاتلند (۱۷۹۹) به وجود آمده است (مینس، ۱۳۷۲، ۲۷).

دیدگاه‌های نظری و پیشگامان نظریه تعاون در عصر جدید:

صرف نظر از اینکه فلسفه تعاون چه بوده و یا اینکه تاریخ دقیق شکل‌گیری آن مربوط به چه عصری است، بحث علمی تعاون و نهضت وابسته به آن مربوط به تلاش چند تن از دانشمندان قرون ۱۸ و ۱۹ در اروپا می‌باشد، که در اینجا به معرفی پیشگامان این نهضت و خلاصه نظریات آنان به اختصار می‌پردازیم (برچال، ۱۳۷۹، ۱۵۲).

۱. کلود هانری سن سیمون (۱۷۶۰-۱۸۲۵) وی اشراف‌زاده پاریسی که عاشق آزادی و صلح و صفا بود و از آنچه که توسط افراد طبقه او بر مردم روا می‌شد، شرم داشت. «سن سیمون» عقیده داشت، حکومت باید از آن مولدین ثروت جامعه، یعنی کارگران و کشاورزان باشد. لغت استثمار ابداع اوست. او خوشبختی بشر را در تعاون و همکاری می‌دید، چون گفته‌های او قابل فهم برای مردم زمانش نبود، در کار تعاون موفقیتی کسب نکرد.

۲. رابرت اون (۱۷۷۱-۱۸۵۸) اصطلاح تعاون (کوپراسیون) اولین بار در سال ۱۸۲۱ به وسیله او عنوان گردید. در واقع باید «اون» را پدر علم تعاون نامید. وی در آن موقع پیشنهاد تشکیل جامعه‌های تعاونی را می‌دهد که ۱۵۰۰ هکتار زمین و ۱۰۰۰ خانواده را در خود جای دهد و کلیه وسایل رفاه آنان را فراهم نماید. به نظر او در این جامعه که همه مشترکاً کارهای کشاورزی و صنعتی انجام می‌دهند، می‌بایست مدرسه، باغ ملی، محل ورزش، کتابخانه، سالن سخنرانی و سایر وسایل رفاهی و در عین حال بالا بردن سطح معلومات ساکنین را در برداشته باشد؛ و آشپزخانه اشتراکی غذای همه را تهیه کند، ولی محل سکونت اعضاء مجزا و مستقل باشد. «رابرت اون» برای تبلیغ نظریات خود به اکثر کشورهای اروپا سفر کرده و چون موفقیتی به دست نیاورد به امریکا رفت و با طرح خود دهکده نمونه‌ای ساخت که موفق نشد. وی کلمه تعاون را ضد کلمه رقابت می‌پنداشت، مورخ فرانسوی «ادوآردولثانس» در کتاب تاریخ نهضت کارگران می‌نویسد: رابرت اون وقتی که سیستم فردگرایانه رقابت را با سیستم جمعی تعاون، پهلوی هم قرار می‌داد از آن استنباط کمونیستی می‌کرد. اولین شرکت‌های تعاونی که پیروان وی به پا کردند

اتحادیه‌های بود که اعضاء آن مجبور بودند به طور هفتگی وجهی پرداخت کنند تا زمانی که سرمایه کافی جمع‌آوری شود آن وقت اقدام به بنای روستاهای کمونیستی می‌کردند. حتی اولین کنگره تعاونی انگلیسی که در سال‌های ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ تشکیل شد، هدفش تأسیس شرکت‌های تعاونی تولید کمونیستی بود.

۳. فیلیپ بوشه (۱۸۶۱-۱۷۹۶) - کشیش کاتولیک متعصب اهل بلژیک که در اثر مطالعه نظریات سن سیمون انقلابی شد و نظریه جمهوری دمکراتیک را ارایه داد که در آن دولت مالک همه چیز است، مگر تعاونی‌های کارگری که می‌بایست با کمک دولت کار خود را انجام دهند. تعاونی‌های کارگران (تعاونی تولید) در زمان او با عدم موفقیت روبرو بودند، به این جهت «بوشه» دو اصل تعاونی تولید پیشنهاد کرد که باعث رونق کار آنها شد:

الف- ذخیره شرکت‌های تعاونی تولید قابل تقسیم نیست حتی پس از انحلال شرکت.

ب- کلیه کارگران شرکت تعاونی تولید باید عضو شرکت باشند و کلیه اعضاء شرکت تعاونی باید در آن کارکنند. به دلیل ابداع این دو اصل می‌توان «بوشه» را پدر شرکت‌های تعاونی تولید نامید.

۴. دکتر ویلیام کینگ (۱۸۶۶-۱۷۸۶) طبیب و پیرو نظریات «اون» بود و سال‌ها مدیریت مجله تعاون در انگلستان را به عهده داشت. وی نقش اساسی در ایجاد ۳۰۰ شرکت تعاونی مصرف داشت و کنگره تعاون برای اولین بار به دعوت او تشکیل گردید. ۵. شارل فوریه ولونی بلان: این گروه را می‌توان در زمره سوسیالیست‌های «آسوسیاتیونیست» نامید. به عقیده این گروه اتحاد آزادانه افراد برای حل مسایل اجتماعی کافی خواهد بود. به دلیل چنین عقیده‌ای از فرقه «سن سیمون» متمایز می‌شدند که درمان دردهای اجتماعی را در دولتی کردن (اتاتیزاسیون) سازمان‌ها می‌دانستند. از این رو پیروان «سن سیمون» به منزله پیش‌آهنگان «کولکتوسیم» (۳) می‌باشند که بعداً اصول آن توسط «روبروتوسن» و «کارل مارکس» تکمیل گردید.

برخلاف عقاید و افکار «جمع‌گرایان» که اعتماد بی‌نهایتی به دولت داشته و برای به آن می‌سپردند سوسیالیست‌های «آسوسیاتیونیست»، بودند که مبدا با در دست گرفتن کلیه امور اعم از

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی، مذهبی به عنوان یک نهاد، خود به مانعی در گسترش عدالت و تأمین منافع جامعه تبدیل گردد. از میان افراد این گروه هیچکس به اندازه «پرودون» از «دولتی کردن» واهمه نداشت. او بر علیه قدرت دولت در تمام عمر خود مبارزات سختی کرده، به طوری که می‌توان گفت نامبرده از حدود «آسوسیالیونسم» پا را فراتر گذاشته و به مرزهای «آنارشیزم» (۴) قدم نهاد. این چنین آموزه‌هایی در اواسط قرن ۱۸ منجر به شکل‌گیری شرکت تعاونی متعدد از جمله پیشه‌وران «راچدیل» گردید (لارنیکاری، ۱۳۷۹، ۱۶۹).

«راچدیل» در آن زمان شهر کوچکی بود در نزدیکی «یورکشایر انگلستان» با ۲۵۰۰ نفوس و در دهکده‌های اقماری و آبادی‌های اطراف آن نیز ۴۰۰۰۰ نفر دیگر زندگی می‌کردند. مردم قرن‌ها به صنعت نساجی، ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه وابسته بودند. در اثر ماشینی شدن نساجی، عرصه بر آن‌ها تنگ گردید؛ از سوی دیگر کشف معادن ذغال‌سنگ و مهاجرت کارگران ذغال به این شهرک، بدبختی بیشتری را به همراه داشت. به گونه‌ای که ساکنین شهر در شرایط بی‌نهایت غیربهداشتی به سر می‌بردند. نیمی از خیابان‌های فاضلاب یا جوی نداشت و آشغال‌ها هیچگاه جمع‌آوری نمی‌شد. بیشتر خانه‌ها دستشویی نداشت و آن‌هایی که داشت غالباً با ده خانه دیگر مشترک بود. در بدترین مناطق از هر ۱۰۰۰ نفر هر سال ۴۵ نفر می‌مردند، امید به زندگی ۲۱ سال بود. از هر شش نفر ۵ نفر برایشان پتوئی نمانده بود که سرمای زمستان را از خود دور کنند. در چنین شرایطی بود که در سال ۱۸۴۴ تحت تأثیر نظرات «اون»، ۲۸ نفر از کارگران نساجی به رهبری «چارلز هوارتس»، اقدام به «تأسیس شرکت تعاونی پیشه‌وران راچدیل» نمودند و در شروع کار «چارلز هوارتس» دو اصل برای تعاونی مصرف ابداع کرد:

۱. معاملات تماماً نقدی باشد.

۲. سود به نسبت خرید اعضا تقسیم شود نه به نسبت سرمایه.

نه تنها عمل این ۲۸ کارگر تحولی را در جهان به وجود آورد بلکه اصول تعاونی راچدیل هنوز هم مستحکم‌ترین اصول اداره شرکت‌های تعاونی در جهان به شمار می‌آید. موفقیت تعاونی مصرف راچدیل بذر آن را در اروپا پراکنده بود به طوری که اواخر دهه ۱۸۴۰ و با پرورش دو مروج متعهد به نام‌های «رایف آیزن» و «شولتز دلیچ» در

خاک آلمان، گونه‌ای دیگر از تعاونی، یعنی تعاونی اعتبار یا بانک پس‌انداز تعاونی پا می‌گیرد (برچال، ۱۳۷۹، ۱۴۸).

تعاونی صاحبان حرفه‌های دستی نظیر: کفاشی، زرگری، آهنگری، خیاطی و امثال آن‌ها که امروزه به اتحادیه‌های آلمان شهرت دارد توسط «رایف ایزن» توسعه می‌یابد. وی با این عقیده که تنها از طریق اصول مسیحیت آن هم در قالب شرکت‌های تعاونی آزاد، می‌توان برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی طبقات کم‌درآمد اقدام نمود؛ اولین «صندوق تعاونی وام و اعتبار» را برای حصول به اهداف یاد شده در شهر «انهازن»^۱ تأسیس کرد که در واقع اولین سنگ بنای نهضت جهانی تعاونی‌های را نهاد که اصول خود، خودیاری و دخالت تام و تمام اعضاء در اداره شرکت و تقبل مسؤولیت‌های لازم از جانب خود اعضاء اوست. تعاونی‌های رایف با همکاری «ویلهلم هاز»^۲ ادامه یافت و با نیروی تمامی مؤسسات موجود در یک سازمان مرکزی متمرکز شدند و خود «رایف» نیز تا آخرین روزهای حیات با پشتکار و نیروی شگفت‌انگیزی برای توسعه و تحکیم مبانی مؤسسات تعاونی خود جهد نمود، به طوری که باید او را در زمره مصلحان اجتماعی سده اخیر و از مهم‌ترین و موفق‌ترین آنها نامید (برچال، ۱۳۷۹، ۱۴۸).

«جی، چی هولی اوک» در خصوص فراملی شدن این نهضت می‌گوید:

تعاون آهسته راه بسیار رفته است و هم چون لاک‌پشت از زادگاه «لانکاشایری» خود در انگلیس بیرون آمده است، فرانسه، آلمان و حتی بیابان‌های یخبسته روسیه را در نوردیده است. بنگالی‌های روشن ضمیر آن را به کار می‌برند، امریکایی‌های تیزبین و دوران‌دیش، و مهاجران روستایی استرالیا در صدد هستند آن را بومی کنند. تعاون همانند یک زمان‌سنج مطمئن از تفاوت اقلیم تأثیر نمی‌پذیرد و در همه سرزمین‌ها به پیش می‌رود (مینی، ۱۳۷۲، ۱۳). امروزه تعاونی مصرف راچدیل انگلیسی به اشکال گوناگونی در زمینه‌های کارگری، مسکن، صیادی، کشاورزی، اعتبار و غیره، تبدیل و از ۲۸ نفر پیشگامان اولیه خود به بیش از هفت صد میلیون نفر عضو اتحادیه بین‌المللی تعاون ارتقاء یافته است که می‌باید از آن به عنوان شق سوم بین سرمایه‌داری و دولت‌مداری نام برد و باور داشت که می‌توان از طریق آن زندگی مردم فقیر جهان به ویژه کشورهای توسعه نیافته را سامان بخشید.

جدول ۱ مقایسه تطبیقی تعاون در نظام‌های اقتصادی

نتیجه و عملکرد	اهداف و کارکرد تعاونی	خاستگاه فکری	نظام‌های اقتصادی
<p>تعاونی در برخی از نظام‌های سرمایه‌داری نظیر انگلستان، سوئد و آمریکا با تفاوت‌های محدودی در سایه ادغام همکاری در عین رقابت با موفقیت نسبی قرین بوده است.</p>	<p>به هر مؤسسه انفرادی یا دسته‌جمعی سرمایه‌داری یا تعاونی اجازه می‌دهد به نیروی خود تکیه و هر راهی را که مایل است اختیار نموده و در بازار به رقابت بپردازد و در نتیجه رقابت فاتح یا مغلوب شود. در واقع نظام سرمایه‌داری نه مانع رشد اقتصاد تعاونی می‌شود و نه چندان در راه ترویج آن می‌کوشد، بلکه آزادی عمل فرد و تعاونی بدون دخالت دولت را ترویج می‌نماید.</p>	<p>لیبرالیسم اقتصادی و رقابت در تولید</p>	<p>نظام سرمایه‌داری</p>
<p>در این نظام به ویژه در شوروی سابق به جهت اینکه بسیاری از اختیارات و آزادی‌های فردی از مردم سلب شده بود و سیستم تعاونی نیز دستوری بود با موفقیت چندان همراهِ نبوده است.</p>	<p>بر لغو مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن تولید به عنوان یگانه راه از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن پای می‌نشرد و دولت را مالک ابزار تولید می‌داند. در واقع نهضت تعاونی در این نظام امری اجباری و هدایت شده است. و عملاً اقتصاد تعاونی نیز نوعی اقتصاد دولتی و دستوری تلقی می‌گردد.</p>	<p>سوسیالیسم اجتماعی و مالکیت ابزار تولید</p>	<p>نظام سوسیالیستی</p>
<p>علی‌رغم تأکید اسلام بر مالکیت افراد و آزادی عمل آنان در انجام امور، متأسفانه در عمل توجه چندان به این امور نشده و تعاون جایگاه خویش را در اقتصاد اسلامی از جمله در ایران بازنیاخته است.</p>	<p>مالکیت افراد بر منابع و ابزار تولید نوعی مالکیت اخلاقی است و مالکیت اصلی و حقیقی از آن خداست؛ و افراد به عنوان جانشین خدا مالکیت پیدا می‌نمایند. در این نظام، تعاونی در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی یکی از ارکان مهم اقتصادی با رویکرد انسانی تلقی می‌گردد و کارکرد آن نوعی همیاری و همکاری است که برای رفع نیاز و تعدیل نابرابری‌های اجتماعی انجام می‌گیرد.</p>	<p>وحی و سنت و مالکیت اخلاقی منابع</p>	<p>نظام اسلامی</p>

تعاون و جایگاه آن در نظام سرمایه‌داری

معمولاً نظام لیبرال به هر مؤسسه انفرادی یا دسته‌جمعی سرمایه‌داری یا تعاونی، اجازه می‌دهد به نیروی خود تکیه کند، و هر راهی را که مایل است اختیار نموده و در بازار به رقابت بپردازد و بالاخره در عرصه رقابت فاتح یا مغلوب شود (لاسکی، ۱۳۵۳، ۲۷).

نظام سرمایه‌داری لیبرال موجودیت تعاونی‌ها را به عنوان واحدهایی که دارای کیفیت خاص می‌باشند و نقش مشخصی در مناسبات اقتصادی، اجتماعی بازی می‌کنند، به سادگی تحمل می‌کند و برخی کشورهای غربی اساسنامه تعاونی‌ها را از نظر قانونی به هر نحو که باشد تحمل می‌کنند و خود اقدام به قانون ویژه‌ای برای تعاونی‌ها نمی‌کنند (هارکونل، ۱۳۵۴، ۴۴). چنین وضعیتی در اغلب کشورها سرمایه‌داری از جمله دانمارک و انگلستان که جزو نخستین کشورهای غربی دارای شرکت‌های تعاونی بوده‌اند، از همان ابتدا وجود داشته و دارد. البته فقدان قوانین ویژه تعاون، مانع پیشرفت تعاون در انگلستان و دانمارک نشد، کما اینکه هر دو کشور به واسطه اقدامات اولیه و بعدی خود در تعاونی شهرت یافته‌اند.

بررسی عملکرد تعاونی در برخی از کشورهای غربی

الف - سازماندهی و مدیریت تعاون در انگلستان

در انگلستان سازماندهی نهضت تعاونی از پایین به بالا است. بدین معنی که در قاعده هرم سازمانی، افراد عضو شرکت‌ها تعاونی قرار دارند؛ و اعضاء به هیچ وجه تابع شرکت نیستند بلکه این شرکت‌ها هستند که تابع اعضاء می‌باشند. زیرا این شرکت‌های تعاونی برای حفظ منافع اعضاء به وجود آمده‌اند و در مقابل آنان نیز مسئول هستند. هنگامی که شرکت‌های تعاونی به شرکت‌های فدرال می‌پیوندند نیز چنین رابطه‌ای بین آنها حکمفرما می‌باشد. زیرا شرکت‌های فدرال نیز برای خدمت به اهداف شرکت‌های تعاونی به وجود آمده‌اند و در مقابل آنها مسئول هستند. در عین حال شرکت‌های تعاونی اختیارات خود را به آنها واگذار ننموده و همچنان مستقل باقی می‌مانند. هر سازمان مافوق تنها به وسیله سازمان‌های مادون به وجود می‌آید و کنترل می‌شود و چنانچه سلطه‌ای مافوق در نهضت وجود داشته باشد، تنها در اتحاد افراد عضو شرکت‌های اولیه دیده می‌شود. سازمان‌های اصلی در انگلستان شامل؛ تعاونی عمده‌فروشی انگلستان (CWS) شرکت تعاونی عمده‌فروشی اسکاتلند (SCWS)، فدراسیون تعاونی‌های تولیدی (CPF)، مطبوعات تعاونی، حزب تعاونی و اتحادیه تعاونی می‌باشد. در انگلستان اتحادیه تعاونی

معرف کل نهضت تعاونی است و از ترکیب بخش‌های مختلف به وجود آمده است که هشت بخش آن مرتبط به بریتانیا و یک بخش مربوط به ایرلند است. هر بخش دارای یک هیأت است که شرکت‌های مربوط به آن بخش، آن را انتخاب و در امور نهضت تعاونی که به همان بخش مربوط می‌شود، دخالت می‌کنند. به علاوه این هیأت منعکس‌کننده نظرات همان بخش در مورد امور تعاونی در سطح ملی است و کنترل خود را بر این امور نیز اعمال می‌کند. کمیته اجرایی مرکزی اتحادیه تعاونی شامل دو نماینده از هر هیأت و نمایندگی از CWS و SCWS و CPF و مطبوعات تعاونی و حزب تعاونی است، که تعداد نمایندگان هیأت‌ها مجموعاً هفده نفر و نمایندگان سازمان‌های مذکور ده نفر می‌باشند. کمیته اجرایی مرکزی مسئول اداره امور اتحادیه تعاونی و تعیین سیاست‌های تعاونی در کنگره تعاونی است. این کمیته وظایف خود را از طریق سه زیر کمیته موسوم به کمیته امور عمومی، کمیته پارلمانی و کمیته مشاوره تجاری انجام دهد. هر بخش در کمیته عمومی نماینده دارد. سازمان‌های ملی نیز به همین ترتیب نماینده‌ای در کمیته عمومی دارند. در مورد سایر سازمان‌های اتحادیه تعاونی، الگوی مشابهی وجود دارد. هیأت ملی دستمزدها که با اتحادیه‌های کارگری در مورد سطح دستمزدها مذاکره می‌کند، مرکب از دو نماینده از هر بخش و دو نماینده از کمیته اجرایی مرکزی است. در اتحادیه تجاری عموماً یک نماینده از هر بخش و تعدادی نماینده از کمیته اجرایی و شرکت‌های عمده‌فروشی شرکت دارند. با این ساخت سازمانی هر هیأت و یا سازمان ملی به خوبی از عملکرد اتحادیه تعاونی آگاه بوده و قادر است نظرات خود را اعلام نماید، و در اداره نهضت دخالت کند. کنگره تعاونی‌ها هر ساله با گردهمایی تمامی شرکت‌های عضو اتحادیه تعاونی برپا می‌شود، کار اصلی کنگره بررسی گزارش تمام فعالیت‌های اتحادیه تعاونی در طول سال است. البته کنگره به استثناء اتحادیه و حزب تعاونی هیچ‌گونه قدرت قانونی بر شرکت‌های عضو و سازمان‌های ملی ندارد (جانسون، ۱۳۷۹، ۱۵۷).

ب- نهضت تعاون در سوئد و عملکرد آن

جنبش تعاون در سوئد اساساً بر حاکمیت مصرف‌کننده و توزیع عادلانه منفعت، ستوار است. هدف اصلی این تعاونی‌ها فراهم ساختن موجبات دسترسی مصرف‌کننده به منابع تولید است؛ و این شیوه تنها وسیله عملی در راه تحقق، حاکمیت مصرف‌کننده است (لاسر، ۱۳۵۰، ۹). تمام موفقیت نهضت تعاون سوئد در وهله اول ناشی از اصول حاکمیت

مصرف‌کننده و پیروی از روش تعاون دوجانبه (بخش تعاونی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) می‌باشد. چنان که از اوایل قرن حاضر تاکنون اتحادیه تعاونی سوئد در پیکارهای متوالی با کارتل‌ها و تراست‌ها و تولیدکنندگان انحصارگر روغن نباتی، کائوچو، کفش‌های لاستیکی، صنایع لاستیک اتومبیل، لامپ الکتریکی و بسیاری از کالاهای دیگر درگیر و نهایتاً از همگی پیروزمند بیرون آمده است (عسکری، ۱۳۶۹، ۷۵). البته قابل به ذکر است که دستاوردهای پربار نهضت تعاونی در سوئد حاصل ضدیت و دشمنی آن با اقتصاد آزاد و سرمایه‌داران خصوصی نبوده است، بلکه تفاهم و همکاری و رقابت توأمان کارساز بوده است. به طوری که پس از آن که کارخانه دوم تولید روغن نباتی اتحادیه تعاونی سوئد در سال ۱۹۳۴ آغاز به کار کرد، یکی از دشواری‌های آن این بود که به علت قدرت بالای تولید کارخانه جدید، تنها ۱۱ درصد از محصول آن جذب تعاونی‌های مصرف می‌شد. گرچه بنا بر اصول تعاون باید تولید کارخانه‌های وابسته با مصرف تعاونی‌ها متناسب باشد، ولی عملاً رعایت این اصل در کارخانه‌های اتحادیه تعاونی ممکن نبود؛ زیرا در معرض رقابت‌های شدید اقتصادی قرار داشت. از این رو کنگره تعاونی سوئد در این سال در این زمینه به بحث و بررسی پرداخت که آیا بدون همکاری سرمایه‌داران خصوصی، رعایت اصل تعاون ممکن است یا خیر؟ نهایتاً کنگره به این نتیجه رسید که بدون همکاری کارخانه‌های خصوصی و سازمان‌های فروش و مصرف با تعاونی‌ها، تحقق اهداف تعاون دشوار خواهد بود و اجرای اصول تعاونی نتایج درخشانی در پی نخواهد داشت. جالب اینجاست که خود رقابت باعث نزدیکی، تفاهم و همکاری بین دو قطب رقیب شد و در عمل سوئدی‌ها به این نتیجه رسیدند که اندیشه‌های تعاون با تفاهم و همکاری در یک کشور می‌تواند جامه عمل بپوشد. به نظر می‌رسد که سوئد توانسته است صحت این ادعا که رقابت و اقتصاد آزاد سرمایه‌داری تعیین‌کننده حداکثر رفاه و کارایی اقتصادی و اجتماعی است را ثابت نماید. این امر مرهون ادغام تفاهم و همکاری در عین رقابت بوده است تا شرایط برای رقابت سالم و منصفانه فراهم شود (کریم، ۱۳۷۹، ۷۰).

ج- تعاون و کارکرد آن در امریکا

مطالعه تاریخ تعاون در ایالات متحده امریکا، وجود دو جریان عمده در نهضت تعاونی را آشکار می‌سازد. یک جریان به دنبال صرفه‌جویی در هزینه‌های مصرفی است و

دیگری به دنبال کسب درآمدهای بالاتر زراعی از طریق افزایش بازده و تثبیت بازار یا صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید می‌باشد. این دو هدف در واقع اهداف تعاونی‌های مصرف‌کنندگان و تعاونی‌های کشاورزی است. هر دو جریان، در مناطق روستایی قوی‌تر از مناطق شهری عمل می‌کنند. گرچه طرفداران جریان اول با تأکید بر خدمات مصرفی در هواداری از فلسفه تعاون بسیار پرشورترند، ولی جریان دوم بر اهداف تجاری تأکید بیشتری دارد. در امریکا نیز همانند انگلستان تعداد شرکت‌های تعاونی به مرور زمان کاهش یافته، ولی اندازه آنها گسترش یافته است. بدین معنی که در میدان رقابت شدید، پاره‌ایی از این شرکت‌ها تعطیل و پاره‌ای دیگر در هم ادغام شده‌اند. به طوری که هم اینک تعدادی از اتحادیه‌های محلی شعبه‌ای از سازمان‌های ملی می‌باشند، و در عین حال اعضاء بسیاری از اتحادیه‌های فدرالی و اتحادیه‌های منطقه‌ای در چندین ایالت کشور پراکنده‌اند. در جوامع اسکاندیناویایی امریکا، پشتیبانی از تعاونی‌ها و وفاداری به آنها به شدت رواج دارد. با رشد فروشگاه‌های زنجیره‌ای خواروبار و دارو، تعاونی‌های خرید عمده (W.B.C) گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند. مالکین و مشتریان این تعاونی‌ها، سوپرمارکت‌ها و مغازه‌های خواروبارفروشی شخصی هستند که در صدد کسب قدرت رقابت بیشتر با فروشگاه‌های زنجیره‌ای و صرفه‌جویی‌های ناشی از خریدهای بزرگ می‌باشند.

در امریکا تعاونی‌های زراعی نسبت به دیگر تعاونی‌ها، کمک‌های بیشتری از دولت فدرال دریافت داشته‌اند. طبق قانون بازاریابی تعاون امریکا مصوب سال ۱۹۲۶، اداره‌ای در وزارت کشاورزی این کشور، جهت ارائه خدمات به تعاونی‌های تولیدی کشاورزی دایر شده است. تعاونی‌هایی که تمام درآمد خالص خود را سالانه میان اعضاء تقسیم می‌کنند و موارد قانون درآمدهای داخلی (مربوط به برابری اعضاء، نرخ بازگشت سرمایه، انباشت ذخایر و دفترداری) را رعایت می‌کنند، ممکن است برگ معافیت از مالیات بر درآمد فدرال را نیز دریافت دارند. در صورتی که سایر انواع تعاونی‌ها مالیات بر درآمد فدرال را می‌پردازند و همگی مشمول انواع مالیات‌های دیگر نیز می‌باشند.

دولت فدرال امریکا رشد دو گروه عمده از تعاونی‌ها را از طریق وام تسهیل کرده است. گروه اول؛ تعاونی‌های برق منطقه‌ای هستند که می‌توانند از اداره برق منطقه‌ای وام دریافت دارند. گروه دوم؛ بانک زمین و اتحادیه‌های اعتبار تولید می‌باشند، که مستقیماً به تعاونی‌های زراعی وام می‌دهد.

چندین سازمان ملی در خدمت تعاونی‌های ایالات متحده آمریکا می‌باشند. به طوری که «انستیتو امریکایی تعاون» در واشنگتن، تحقیقات و آموزش تعاونی را بهبود بخشیده و به عنوان منبعی برای تبادلات اطلاعات تعاونی عمل می‌کند. «مجمع تعاونی» آمریکا در شیکاگو، آژانس آموزشی و فرهنگی و سخنگوی اصول تعاونی است. «شورای ملی تعاونی‌های کشاورزی» در واشنگتن، تعاونی‌ها را به کنگره و واحدهای اجرایی معرفی می‌کند و هماهنگ کننده نظرات تعاونی‌ها در مسایل سیاست ملی است. شوراهای دولتی تعاونی نقش مشابهی را در چارچوب وظایف خود ایفا می‌کنند (بهرامی، ۱۳۵۴، ۱۰).

نظام سوسیالیستی و جایگاه تعاون در آن

با توجه به این که اندیشمندان و طراحان اولیه تعاون از پیشگامان سوسیالیزم در جهان نیز بوده‌اند، و همچنین به علت نزدیکی فلسفه تعاون و فلسفه سوسیالیزم با طبقات ضعیف و کارگر و منافع این گروه‌های اجتماعی، ممکن است این توهم پیش آید که تعاون و سوسیالیزم با یکدیگر مترادفند؛ یا حداقل بسیار به هم نزدیک هستند. در صورتی که ماهیتاً این چنین نیست. زیرا اگرچه «سن سیمون» و «اون» ایجادکنندگان فکر تعاون در جهان، اولین طراحان سوسیالیزم نیز هستند، ولی نباید از نظر دور داشت که گروهی که برخی از اعضایش به مالکیت خصوصی باور داشته‌اند آنها را جزء سوسیالیست‌های تخیلی به حساب آورده‌اند ولی تردیدی نیست که سوسیالیزم را نظریات «کارل مارکس» به مرحله عمل درآورد، در حالی که نهضت تعاون خود را مدیون «راچدیل» می‌داند و در نتیجه به لحاظ پیدایش کارکردهای اجرایی تعاون و سوسیالیزم از نظر مبداء پیدایش هیچ‌گونه ارتباطی بین این دو نبوده است. از طرف دیگر به لحاظ اهداف، گرچه هدف هر دو فلسفه تعاونی و سوسیالیزم، مبارزه با سرمایه‌داری است، لیکن سوسیالیزم در صدد نابودی سرمایه‌داری می‌باشد. در حالی که تعاون به فکر اصلاح وضع آن است. از نظر رسیدن به اهداف نیز سوسیالیزم همیشه با سیاست و از طریق کارکردهای سیاسی اهدافش را دنبال می‌نماید، در صورتی که بی‌طرفی سیاسی و عدم دخالت کارکردهای سیاسی از اصول اولیه تعاون به شمار می‌رود. هم‌چنین سوسیالیزم اغلب توسل به زور را برای رسیدن به هدف تجویز می‌کند، در حالی که تعاون آزادی فردی را بر همه چیز مقدم می‌دارد.

بالاخره به لحاظ دیدگاه فلسفی و خاستگاه فکری، سوسیالیزم مالکیت فردی را نفی می‌کند، در حالی که تعاون برای مالکیت بیشتر اعضاء مبارزه می‌نماید و طالب تعدیل مالکیت در اجتماع می‌باشد. علاوه بر این سوسیالیزم سود سرمایه را مطلبی مردود می‌شمارد؛ ولی تعاون حد متعادل آن را برای تشویق جامعه لازم می‌داند. نهایتاً این که سوسیالیزم طبقه کارگر را مالک اجتماعی می‌داند، ولی تعاون مصرف‌کننده را در نظر دارد و او را تصمیم‌گیرنده نهایی و حاکم جامعه دلخواه خود می‌داند (عسکری، ۱۳۷۹، ۳۰).

اینک در حالی که سوسیالیزم بر لغو مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن تولید، به عنوان یگانه راه از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی و مصیبت‌های ناشی از آن پای می‌فشرد و تنها راه آن را در قهر و انقلاب ناگهانی و در هم کوبیدن یکباره نهادهای نظام سرمایه‌داری می‌داند؛ تعاون مسیری خردپذیرتر و واقع‌بینانه‌تر پیموده است. چنان که روش تعاون به جای قهر و انقلاب و تخریب ناگهانی، با تکامل و پیشرفت تدریجی، به تقویت بنیان‌های اساسی خود پرداخته و بالاخره نضج گرفته است (Encyclopedia, 1979, 432).

عملکرد تعاون در شوروی سابق به عنوان نماد نظام سوسیالیستی

شوروی سابق یکی از مهم‌ترین کشورهای سوسیالیستی است که سابقه نسبتاً طولانی در امر تعاون دارد. تعاونی‌های مصرف‌کنندگان از قدیمی‌ترین تعاونی‌های روسیه بود که با الغای نظام فئودالی در سال ۱۸۶۵ به وجود آمد و تا پایان قرن نوزدهم تعداد اعضای آن به ۲۰۵ هزار نفر بالغ گردید؛ و تا سال ۱۹۱۴ تعداد اعضای آن به بیش از یک میلیون نفر رسید (عسکری، ۱۳۶۹، ۱۰). قبل از الغای نظام فئودالی، رعایا به صورت گروه‌های زراعی، بر روی زمین فئودال‌ها، اربابان، کلیسا و یا پادشاه کار می‌کردند. این گروه‌ها را «آرتل» می‌نامیدند. بعد از آزادی رعایا و الغای نظام فئودالی، کوشش‌هایی به عمل آمد تا آن را به یک ابزار مفید اقتصادی تبدیل کنند؛ اما تعداد آرتل‌ها کم شد و عده باقیمانده نیز بسیار ضعیف و از حیث تکنولوژی عقب‌افتاده بودند. ظرف چند سال بعد گروه عظیمی از رعایای فقیر و بی‌زمین که به دنبال شغلی بودند به وجود آمدند. لذا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نظریه سنتی تعاون نمی‌توانست مورد قبول رعایا و یا کارگرانی باشد که به شدت تحت تأثیر عقاید انقلابی قرار داشتند. در سال ۱۹۱۹ عمده‌ترین شکل زراعت گروهی، «اشتراکی‌ها»^۲ بودند. اینها مرکب از گروهی کارگران

کشاورزی بودند، که به اشتراک، تولید و مصرف می‌کردند، و تا سال ۱۹۲۸ که برنامه اشتراکی کردن عمومی آغاز شد، وجود داشتند. اما در همین حال تعداد آرتل‌هایی که رعایای فقیر ایجاد کرده بودند، اندکی افزایش یافت. در این آرتل‌ها وسایل تولید در مالکیت اشتراکی قرار داشت، لیکن هر عضو، خانه متعلق به خود و قطعه زمین کوچکی و چند حیوان در اختیار داشت. آرتل‌ها معمولاً شامل ۲۵-۲۰ خانوار می‌شد، محصول نیز بر طبق کمیت و کیفیت کار هر عضو تقسیم می‌شد.

شکل دیگر زراعت گروهی، «انجمن کشت^۴» بود، که در آن وسایل تولید در مالکیت فردی اعضا قرار داشت. هر خانوار روستا صاحب زمین و محصول خودش بود، اما پاره‌ای از کارها به صورت اشتراکی انجام می‌شد (Fazel Sarjui, 1980, 37).

تا سال ۱۹۲۸ به علت واپس‌ماندگی اقتصادی و مقاومت زارعان در مقابل تأسیس تعاونی‌های زراعی، دولت خواست بسیاری از زمین‌داران مبنی بر حفظ مالکیت بر زمین‌هایشان را به رسمیت شناخت. در واقع در آغاز اشتراکی کردن همه‌جانبه کشاورزی، تنها ۲ درصد از کل تولیدات کشاورزی در اختیار مزارع دولتی بود و ۹۸ درصد بقیه در مزارع خصوصی تولید می‌شد. به هر حال اشتراکی کردن کشاورزی که در دهه ۱۹۳۰ شروع شده بود، بعدها به علت مقاومت کشاورزان، آهسته‌تر شد و هر خانوار اجازه یافت تا قطعه زمینی به مساحت نیم اکر^۵ (۵)، چند حیوان و مقداری ابزار در مالکیت خود داشته باشد. در طول جنگ جهانی دوم، دولت توزیع نان را به وسیله تعاونی‌های مصرف کنترل می‌کرد. در دوران بعد از جنگ، ضرورت سیاسی تعیین‌کننده میدان عمل آنها بود. در سال ۱۹۵۸ اتحادیه مرکزی تعاونی‌های مصرف ۳۴ میلیون نفر عضو داشت و ۲۹ درصد از کل حجم خرده‌فروشی در شوروی در اختیار این اتحادیه بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۷، ۴۰). فروشگاه‌های تعاونی عمدتاً در مناطق روستایی متمرکز بوده و در تملک و اداره شرکت‌های تعاونی مصرف‌کنندگان قرار داشته‌اند. این شرکت‌ها و مجموعه فروشگاه‌های آن، همراه با شرکت‌های دولتی و شرکت‌های متعلق به مزارع اشتراکی سه رکن بازرگانی داخلی شوروی را تشکیل می‌دادند.

از آغاز دهه ۱۹۸۰ تحولاتی در شیوه کشاورزی اشتراکی شوروی صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۲ برای تشویق تولید، قیمت‌های خرید محصولات کشاورزی افزایش

یافت و ایجاد « گروه‌های مستقل کار» در مزارع جمعی اعلام شد. براساس چنین شیوه‌ای، گروه‌های کوچک کار یا «بریگاد» طبق قرارداد کار می‌کردند. بدین نحوه که به ازای هر مقدار محصول تحویلی، قیمت ثابتی برای آن دریافت می‌داشتند و سپس خودشان در میان گروه، مزد و پاداش افراد را به تناسب کار انجام شده تعیین می‌نمودند. البته این شیوه به علت کیفیت پایین داده‌های کشاورزی ارایه شده به کشاورزان، خوب عمل نکرد.

با اعلام اصلاحات جدید در بخش کشاورزی در سال ۱۹۸۶، مقرر گردید، مزارع جمعی و دولتی که مازاد بر هدف تعیین شده تولید، محصول ارایه دهند، برای مقادیر مازاد، ۵۰ درصد قیمت به عنوان پاداش دریافت دارند. هم‌چنین مقرر گردید به مزارع دولتی و جمعی اجازه داده شود تا محصولاتشان را به میزان ۳۰ درصد از اهداف تولید تعیین شده، به طور مستقیم در بازارهای محلی به فروش برسانند. در ضمن به کارگران مزارع جمعی و دولتی اجازه داده شد که زمان بیشتری را به فعالیت‌های شخصی اختصاص دهند. از سال ۱۹۸۷ نیز افراد از این حق برخوردار شدند که به حساب خود هم کار کنند، و یا با پیوستن به دیگران یک تعاونی برای عرضه خدمات یا تولید بعضی از مصنوعات در سطح محدود به وجود آورند (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۷، ۴۱).

اما با تمامی تدابیر فوق‌الذکر، چون بسیاری از اختیارات و آزادی‌های فردی از مردم سلب شده بود و سیستم تعاونی نیز در واقع دستوری و دولتی بود، این سیستم دوام چندانی نیافت، و سرانجام نظام سوسیالیستی در شوروی سابق در اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور کلی از هم پاشید، و به سمت نظام سرمایه‌داری گرایش یافت.

جایگاه تعاون در نظام اسلامی

در مکتب اسلام به تعاون اهمیت فراوانی داده شده و موارد فراوانی در قرآن کریم و روایات اسلامی، مؤمنان را تشویق به تعاون و شتاب در خیرات و نیکی‌ها نموده است و در مقابل از همکاری در بدی‌ها و دشمنی‌ها نیز نهی گردیده‌اند. چنانکه در آیه ۲ سوره مائده در قرآن می‌فرماید: «تعاونو علی البر والتقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان» (قرآن کریم، مائده، ۲). یعنی؛ تعاون و همیاری کنید بر اساس نیکی و تقوی و همیاری نکنید بر اساس گناه و دشمنی. می‌بینیم که قرآن تعاون را بدین طریق بااهمیت دانسته و اشاره می‌نماید که در هر مورد که باشد، پایه و اساس تعاون بایستی بر نیکی و دوری از گناه و ستمگری استوار باشد، تا بتواند به هدف‌های اسلامی جامعه عمل بپوشاند.

در واقع تعاون در دیدگاه اسلامی، عبارت از آن نوع همکاری است که برای رفع نیازها و انجام یک فعالیت مشترک به وجود می‌آید.

به طور کلی ما در قرآن و روایات و احادیث اسلامی درباره تعاون و تعاونی مطالب زیادی داریم. اما گاه قرآن و روایات تعاون را به مفهوم عام بیان می‌کنند و گاه از دیدگاه اقتصادی. چنان که در مفهوم عام تعاون می‌توان از همان آیه شریفه «تعاونو علی البر و...» استفاده کرد. در روایات مربوط به مشارکت هم، توصیه شده است که فعالیت اقتصادی به طور همگانی و دسته‌جمعی باشد. در باب این که فرد باید مالک حاصل کارش باشد هم روایات زیادی داریم؛ اعم از روایاتی که در خصوص آباد کردن زمین آمده و تحت عنوان «احیای موات» است، و هم سایر فعالیت‌های اقتصادی که تحت عنوان «حیات» وجود دارد. اما آن چه که مسلم است، متأسفانه تا به حال کمتر کسی اقدام به جمع‌بندی فقهی این آیات و روایات نموده و بابتی به نام باب تعاونی در فقه کمتر به آن پرداخته شده است.

کارکرد تعاون در ایران به عنوان یک کشور اسلامی

در ایران علی‌رغم وجود مقررات قانون تجارت، زمینه لازم جهت تشکیل شرکت‌های تعاونی تا سال ۱۳۲۰ فراهم نشد. از آن سال به بعد با توجه به کشیده شدن ایران به جنگ جهانی و وضع نابسامان آن دهه، عده‌ای به فکر تأسیس شرکت‌های تعاونی، به عنوان راه نجات طبقات محروم اجتماع، به خصوص کارمندان دون پایه دولت، افتادند. به دنبال آن تا سال ۱۳۳۲ جمعاً ۱۹ شرکت تعاونی تشکیل شد، لیکن موفقیت چندانی کسب نکردند؛ و به مرور عمدتاً منحل و غیر فعال گردیدند. در سال ۱۳۳۲ لایحه قانونی شرکت‌های تعاونی تهیه و تصویب شد؛ این امر راه را به تدریج برای ایجاد شرکت‌های تعاونی موفق گشود. لذا در واقع مبداء نهضت واقعی تعاون در ایران را می‌توان تقسیم املاک پهلوی در سال ۱۳۲۹ دانست که خود پایه‌گذار تأسیس هزاران شرکت تعاونی گردید. در برنامه‌های عمرانی اول و دوم کشور طی سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۴۱ مبالغی جهت کمک به شرکت‌های تعاونی پیش‌بینی شده بود. متخصصین برنامه کمک اقتصادی امریکا (اصل ۴ ترومن)، طرح تشکیل شرکت‌های تعاونی ماشین‌آلات کشاورزی را به منظور مکانیزه کردن مزارع ایران ارایه دادند، که در اوایل کار چندان موفقیت‌آمیز نبود، و در سال ۱۳۳۵ این فعالیت به اداره کل مهندسی زراعی وزارت کشاورزی محول گردید؛ و بر این اساس در هر استان یک شرکت تعاونی به عنوان نمونه

ایجاد و کشاورزان آموزش‌های لازم جهت بهره‌برداری‌های زراعی و کشاورزی را از این طریق فرا می‌گرفتند. نتیجه این فعالیت‌ها به کار انداختن ۴۰۰ تراکتور در نقاط مختلف روستایی کشور بود، ولی متأسفانه این شرکت‌ها به تدریج منحل شدند.

در روستاهای خالصه، ایجاد شرکت‌های نمونه تعاونی را بنگاه خالصجات به عهده گرفت و دوره‌های تعلیم رانندگی تراکتور، نجاری، خیاطی و سایر امور مورد نیاز روستائینان را در دهات خالصه ایجاد نمود. در سال ۱۳۴۲ قانون تشکیل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران به تصویب رسید و آموزش تعاونی و کمک‌های اعتباری به شرکت‌های تعاونی به این سازمان که در وزارت تعاون و امور روستاها تشکیل شده بود، سپرده شد. البته قبل از آن کار تعاون در روستاهای ایران با تشکیل صندوق تعاون روستایی در مراکز شهرستان‌ها توسط بانک کشاورزی در سال ۱۳۲۵ شروع شده بود. در سال ۱۳۴۶ سازمان مرکزی تعاون کشور در نخست‌وزیری تشکیل و وظایف آن تعیین گردید. این سازمان در سال ۱۳۵۰ به وزارت تعاون و امور روستاها منضم شد.

مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ تأسیس شد، که نقش مؤثری در آموزش به دانشجویان در این رشته در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ارایه می‌نمود. در سال ۱۳۴۴ نیز مرکز صنایع دستی در وزارت اقتصاد تأسیس شده بود که خود شروع به تأسیس تعاونی‌های صنایع دستی نمود و تا قبل از انقلاب اسلامی توانسته بود ۱۳ شرکت تعاونی در نقاط مختلف کشور ایجاد و راه‌اندازی نماید. هم‌چنین بانک رفاه کارگران از سال ۱۳۴۲ شروع به ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتباری کارگری نمود که تا سال ۱۳۴۸ تعداد این شرکت‌ها به ۴۸۷ شرکت تعاونی با سرمایه‌ای بالغ بر ۷۱ میلیون ریال رسیده بود. در سال ۱۳۴۴ شورای عالی تعاون در وزارت کار ایجاد و در سال ۱۳۵۰ با تغییر نام به شورای عالی هماهنگی تعاونی‌های کشور، به وزارت تعاون و امور روستاها ضمیمه گردید. علی‌رغم فعالیت‌های تعاونی فوق‌الذکر، متأسفانه عمدتاً نهضت تعاون در ایران به تعاونی‌های روستایی و کارگری و تعاونی‌های مصرف محدود گردیده و تعاونی‌های تولیدی کمتر توسعه یافته‌اند (مجموعه قانون و مقررات بخش تعاونی...، ۱۳۷۶، ۷۰-۱).

پس از انقلاب اسلامی با توجه به اهداف و نگرش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر بخش خصوصی و دولتی جایگاه بخش تعاون در اقتصاد اسلامی، پررنگ‌تر از گذشته مورد توجه قرار گرفت؛ چنانکه تعاون به عنوان یک بخش از بخش‌ها اقتصادی جامعه؛ در اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

چنین آمده است: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی - تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل ... بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل ... (قانون اساسی، اصل ۴۴). در قوانین عادی نیز پس از انقلاب اسلامی با وضع مقررات و قوانین جدید در صدد توسعه و تحکیم جایگاه و نقش تعاون در نظام اقتصادی کشور بر آمده‌اند. لذا انواع تعاونی‌های تولیدی و توزیعی از قبیل؛ تعاونی‌های چندمنظوره، تعاونی‌های تولیدی، تعاونی‌های آموزشگاهی، تعاونی‌های اعتبار، تعاونی‌های کارگری، تعاونی‌های مصرف، تعاونی‌های بازاریابی، تعاونی‌های فرهنگی غیرانتفاعی، تعاونی‌های ورزشی، تعاونی‌های حقوقی، تعاونی‌های تحقیقاتی، تعاونی‌های خدمات مالی و غیره تشکیل شده و نقش نسبتاً فعالی را در اقتصاد ملی برای این بخش از اقتصاد کشور قایل گردیدند. نهایتاً اهداف، ضوابط، خط مشی‌ها و دیدگاه‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در ایران به بخش تعاون و توسعه و گسترش فعالیت‌های این بخش در نظام اقتصادی کشور در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۲۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان به دولت ابلاغ گردید. همچنین طی دهه گذشته مجموعه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی دیگر نیز در جهت تسهیل امر توسعه و گسترش تعاونی‌ها تهیه و تصویب شده است. با این وجود شاهد آنیم که هنوز این بخش در میان دو بخش دیگر اقتصادی در کشور نتوانسته جایگاه شایسته خویش را به دست آورد. چنانکه از مجموعه تولید ناخالص ملی کمتر از ۵ درصد و از مجموع صادرات کشور کمتر از ۱۰ درصد را به خود اختصاص داده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰، ۹۷-۵۱).

نتایج و راهبردها

نهضت تعاون و اشکال جدید آن عملاً پس از انقلاب صنعتی و تحولات اقتصادی ناشی از آن که منجر به وضع قانون صنعتگران، قانون انحصارها، قانون بینوایان و غیره در قرن ۱۶ و ۱۷ گردید، شکل گرفت. قوانین مزبور بر اساس این انگاره وضع شده بود که «فقر نه یک گناه فردی، بلکه تابعی از نظام اقتصادی است». در این دوره به تدریج در فلسفه وجودی دولت تحولاتی پدیدار شد که این تحول در تاریخ اقتصاد سیاسی، «لیبرالیسم کلاسیک» نام گرفته است. در این نظام که اصولاً مبتنی بر «اصالت فرد»

می‌باشد، کارکردهای اجتماعی فرد مقدم بر جامعه است و دولت نمی‌تواند به خاطر مصلحت جمع مصالح فرد را نادیده بگیرد. با این وجود در همین دوره لیبرالیسم به این شکل مورد نقد قرار گرفت و به دنبال آن نهضت تعاونی پا گرفت. چنانکه «ژان ژاک روسو» معتقد بود که: هیچ شهروندی نباید آنقدر ثروتمند باشد که بتواند دیگری را بخرد و هیچ شهروندی نیز نباید آنقدر تنگدست باشد که ناگزیر شود خود را بفروشد (هلد، ۱۳۶۹، ۱۲۴). لذا دیدگاه‌هایی از این دست باعث شد که نهضت تعاونی در کنار اقتصاد لیبرالیسم و یا در واقع از دل آن شکل گیرد تا منافع عمومی افراد فقیر جامعه نیز تأمین گردد. فلسفه وجودی تعاون و کارکردهای مترتب بر آن به نظر «فلیپ بوشه» به عنوان پدر شرکت‌های تعاونی تولید، دو اصل عمده می‌باشد:

۱. ذخیره شرکت‌های تعاونی تولید قابل تقسیم نیست حتی پس از انحلال شرکت.
 ۲. کلیه کارگران شرکت‌های تعاونی تولید باید عضو شرکت باشند و در آن کار کنند (لارنیکاری، ۱۳۷۹، ۱۶۹).
- این دیدگاه‌ها از این هم فراتر رفت و به «آسوسیاسیونیزم» (طرفداری از شرکت با مشارکت)، «کولکتویسم» (جمع‌گرایی)، «اتاتیسم» (طرفدار دولتی کردن) و نهایتاً «آنارشیزم» منجر گردید؛ و با فراز و فرودهای متعدد به شکل تعاونی تولید «راچدیل» در غرب منتهی شد که اصول آن هنوز هم به عنوان مستحکم‌ترین اصول اداره شرکت‌های تعاونی در جهان به شمار می‌آید (برچال، ۱۳۷۹، ۱۴۸) به دنبال شکل‌گیری نظام سیاسی-اقتصادی سوسیالیسم، اشکال جدیدی از تعاونی‌ها متأثر از اقتصاد سوسیالیستی نیز شکل گرفت. با این تفاوت که معمولاً نظام لیبرال به هر مؤسسه انفرادی یا دسته‌جمعی سرمایه‌داری یا تعاونی، اجازه می‌دهد به نیروی خود تکیه، و هر راهی را که مایل است اختیار نموده و در بازار به رقابت پردازد و بالاخره در نتیجه رقابت فاتح یا مغلوب شود. در حالی که سوسیالیسم بر لغو مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن تولید، به عنوان یگانه راه از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی و مصیبت‌های ناشی از آن پای می‌فشرد، و دولت را مالک ابزار تولید می‌داند که در این قالب تعاونی‌های کشورهای سوسیالیستی مظهر دخالت کامل دولت در امور تعاونی را به نمایش می‌گذارد؛ و در واقع نهضت تعاونی در این کشورها امری اجباری و هدایت شده می‌باشد. لذا می‌بینیم که این سیستم دوام چندانی لاقلاً در کشور شوراهای (شوروی سابق) نیافت، و سرانجام از هم پاشیده و به سمت نظام سرمایه‌داری گرایش یافت. در نظام اسلامی بر اساس اصول اسلامی هر نوع کمک و یاری

به همدیگر در جهت حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم و برای رفع دشمنی و فساد و ظلم، کاری پسندیده و مورد تأیید و تأکید و حتی تشویق شارع مقدس اسلام واقع شده است؛ و از این نظر ارزش تلقی می‌شود. اما مالکیت افراد بر منابع و ابزار در اسلام نوعی مالکیت اخلاقی است و مالک اصلی و حقیقی خداست که افراد به عنوان خلیفه و جانشین خدا مالکیت دارند؛ و تعاونی‌ها نیز به لحاظ مالکیت عملاً با چنین دیدگاهی روبروست. چنانکه در نظام اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی علیرغم اینکه بخش تعاونی یکی از ارکان مهم بخش‌های اقتصادی تلقی می‌شود، عملاً این بخش در تولید ناخالص ملی با کمتر از ۵ درصد و در صادرات با کمتر از ۱۰ درصد کمترین جایگاه را داشته و دارد. راهبرد نهایی آنکه؛ به منظور بسط و توسعه جایگاه و نقش تعاون در اقتصاد،

می‌بایست از دخالت مستقیم دولت و دستوری نمودن این بخش کاست و بر آزادی عمل آن در عرصه اقتصاد سخاوتمندانه افزود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام یک نوع بنه در شهرستان بافت می‌باشد.
۲. یک نوع بنه در حاجی آباد، که شهرکی است میانه راه سیرجان به بندرعباس (فرهادی، ۱۳۶۸، ۱۲).
۳. در لغت به معنای «جمع» است و در اصطلاح به عنوان یک مکتب سیاسی اجتماعی مبتنی بر تعاون و مالکیت اجتماعی می‌باشد.
۴. به لحاظ لغوی به معنای هرج و مرج و فاقد قانون و نظم می‌باشد لکن به لحاظ یک مکتب اجتماعی، مساوات طلب و طرفدار مالکیت جمعی می‌باشد.
۵. هر اکر (Acre) معادل ۴۰۴۷ متر مربع می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم‌زاده، عیسی (دیماه ۱۳۷۳)؛ مشارکت، تعاون و توسعه روستایی، ماهنامه تعاون، دوره جدید شماره ۴۰، تهران.
۳. ابراهیم‌زاده، عیسی و فرامرز بریمانی؛ بررسی عملکرد تعاونی‌های سیستان و بلوچستان و راهکارهای توسعه کمی و کیفی آن، اداره کل تعاون سیستان و بلوچستان، زاهدان، اسفند ۱۳۸۰.
۴. امینی، علی (۱۳۷۲)؛ تعاونی راهی به جامعه سالم، انتشارات وزارت تعاون، تهران.
۵. برچال، جانسون، ترجمه معاونت تحقیقات آموزش و ترویج (۱۳۷۹)؛ تعاون، کار، مردم، وزارت تعاون، تهران.
۶. بهرامی، ایرج (۲۵۳۵)؛ اصول شرکت‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.

۷. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، بهار ۱۳۷۵.
۸. سازمان مرکزی تعاون کشور؛ تعلیمات تعاونی، تهران، دی ماه ۱۳۴۶.
۹. سازمان مرکزی تعاون کشور؛ تاریخ تعاون، تهران، اردیبهشت ۱۳۴۹.
۱۰. سازمان مرکزی تعاون کشور (۱۳۷۰)؛ نهضت تعاون در کشورهای در حال رشد، نشریه ۱۰۷ چاپ دوم، تهران.
۱۱. جونز، و.ت، ترجمه علی امینی (۱۳۵۸)؛ خداوندان اندیشه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۲. جانسون، تور (۱۳۷۹)؛ انسان تعاونی در رایف ایزن، مجموعه مقالات شرکت‌های تعاونی امروز، تهران.
۱۳. عسکری، علی و حمیدرضا اشرف‌زاده (۱۳۶۹)؛ بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ دوم، تهران.
۱۴. کریگ، جی. جی (۱۳۷۹)؛ موفقیت تجاری و روند دموکراتیک، مجموعه مقالات شرکت‌های تعاونی امروز، تهران.
۱۵. کرمی، فواد (۱۳۶۳)؛ تعاون و تعاونی در اسلام، مجموعه مقالات تعاون و تعاونی‌ها در اسلام، سازمان مرکزی تعاون روستایی، تهران.
۱۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، ترجمه سید جواد مصطفوی؛ اصول کافی، جلد دوم، بی تا، بی جا.
۱۷. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۳)؛ نظام تولید زراعی جمعی «بنه» قبل و بعد از اصلاحات ارضی، انتشارات توس، تهران.
۱۸. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸)؛ «بنه» نظام‌های زراعتی سنتی در ایران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۱۹. فرهادی، مرتضی (۱۳۶۸)؛ «بنه‌شناسی» پیشینه پژوهش و نقد آراء در چگونگی پیدایش بنه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۵، مشهد.
۲۰. لاسکی، هارولد. جی، ترجمه رحمت‌ا... مقدم مراغه‌ای (۱۳۵۳)؛ سیر آزادی در اروپا، انتشارات جیبی، تهران.
۲۱. لارنیکاری، یوهانی، ترجمه اتحادیه تعاونی‌های سراسری صنایع آلومینیم ایران (۱۳۷۹)؛ شرکت‌های تعاونی امروز، تهران.
۲۲. وبر، مارکس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر (۱۳۶۲)؛ جامعه‌شناسی، انتشارات نیکان، تهران.
۲۳. مارتین، براهام سن، ترجمه ابوالحسن گونیلی (۱۳۴۸)؛ تعاون کشاورزی، مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، تهران.
۲۴. معاونت امور تعاونی‌ها وزارت تعاون (۱۳۷۶)؛ مجموعه قانون و مقررات بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۲۵. معین، محمد (۱۳۷۵)؛ فرهنگ فارسی جلد ۱ (آ-خ)، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۶. مهدوی، مهدی و حسن مجیدی (۱۳۶۳)؛ آموزش امور تعاون، سازمان مرکزی تعاون روستایی، تهران.
۲۷. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۶۷)؛ بررسی امکانات خرید کالا و خدمات از کشورهای شورای همکاری متقابل اقتصادی، (کومکون)، وزارت بازرگانی، تهران.
۲۸. هریسون، پل، ترجمه محمود طلوع (۱۳۶۶)؛ فردای جهان سوم، سازمان صنایع ملی ایران، تهران.
۲۹. هانت، ای. ک، ترجمه سهراب بهداد (۱۳۵۸)؛ تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی، انتشارات جیبی، تهران.
۳۰. هلد، دیوید، ترجمه عباس مخبر (۱۳۶۹)؛ مدل‌های جدید دموکراسی، انتشارات روشنگران، تهران.
۳۱. هاردکونل، راین، ترجمه منوچهر فکری (۱۳۵۴)؛ لیبرالیسم، انتشارات توس، تهران.
32. Encyclopedia, Britannica Inc, The New Encyclopedia Britannica 30 Vols. 15ed. (V. S. A): Helen Hemingway Benton. 1979; Vol. 5.
33. Fazel sarjui, Mandana (1980); Farm Cooperation in Agricultural Development of Iran, University of Illinois, M. S. Thesis.
34. Barimani, Faramarz (2002); "Hembazi- A Kind of unknown cultivational system in the North of Iran third international conference of critical Geography. Bekescsaba, Hungary. 25-30.